

ساخت فعل در زبان بلخی

(از ص ۴۵ تا ۵۶)

چکیده

ساخت فعل یکی از مهمترین مقوله‌های دستوری در زبانهای ایرانی است. مقایسه ساخت فعل در زبانها و گویشهای ایرانی می‌تواند بیانگر پیوند این زبانها و بستگی آنها به یک شاخه زبانی، یعنی زبانهای ایرانی باستان باشد. بنابراین هدف از انجام این پژوهش، یکی بررسی چگونگی ساخت فعل در زبان بلخی و دیگر حصول به این نتیجه است که آیا ساخت فعل در این زبان با دیگر زبانهای ایرانی میانه از هماهنگی و ارتباط کافی برخوردار هست یا خیر؟ برای انجام این پژوهش از دو مجموعه اسناد و متون بلخی گردآوری پروفیسور نیکلاس سیمز ویلیامز بهره برده‌ایم. نتایج حاصل، بیانگر پیوند زبان بلخی با دیگر زبانهای ایرانی میانه شرقی است.

واژه‌های کلیدی: فعل، ماده، شناسه، صفت مفعولی، زبان بلخی.

۱- مقدمه

سرزمین کهنسال بلخ در شمال افغانستان واقع است و از آن هم در اوستا و هم در کتیبه داریوش در بیستون یاد شده است. بلخ در پی حمله اسکندر مقدونی به مدت دویست سال در زمره مناطق یونانی نشین در آمد. به نظر می‌رسد که در طول این مدت، تمدن هلنی و نیز استفاده از زبان و خط یونانی در کنار زبان محلی بلخی در آن رواج یافته است.

سرزمین بلخ از اواسط سده دوم پیش از میلاد به تصرف قبایل یوئه جی یا تخاریان درآمد و از آن پس به نام آنها «تخارستان» نامیده شد. کوشانیان یکی از همین قبایل بودند که از اوایل دوره مسیحی به قدرت رسیدند و به گسترش متصرفات خود پرداختند تا سرانجام امپراتوری کوشانی را برپا کردند. این امپراتوری که در حدود یک سده دوام یافت، در دوران قدرت، بخش قابل توجهی از آسیای مرکزی تا شمال هندوستان را دربرمی‌گرفت. در این دوران زبان بلخی به عنوان زبان رسمی جایگزین زبان یونانی شد اما استفاده از خط یونانی در کنار خطوط دیگر از جمله خط بلخی و خروشتی - به ویژه در اوایل حکومت کوشانیان - ادامه یافت.

در عهد ساسانی، فرمانروایی کوشانیان رو به زوال نهاد و بخش غربی آن سرزمین به تصرف دولت ساسانی در آمد و آنها فرمانروایی با نام «کوشان شاهان» را بر آن گماردند. زبان بلخی یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است که برای چندین سده در میان ساکنین مناطق شمالی افغانستان رواج داشته و علی‌رغم دو سده تسلط اسکندر مقدونی و جانشینان او بر این سرزمین هیچگاه از رونق آن کاسته نشد (نک: بیوار، ۱۳۷۳: ۲۹۳؛ سیمز ویلیامز، ۱۳۸۲: ۳۵۸؛ زرشناس، ۱۳۸۰؛ جعفری دهقی، ۱۳۸۶: ۱۱۲؛ سیمز ویلیامز، ۱۹۸۹).

هدف از نگارش این مقاله، بررسی ساخت فعل در زبان بلخی بر اساس متون بازمانده از این زبان است.^۱

فعل در زبان بلخی همانند دیگر زبانهای ایرانی میانه بر اساس دو ماده مضارع و

۱. این متون در دو مجموعه 2007, 2000 Sims-Williams گردآوری شده و مطالعه حاضر بر اساس همین دو مجموعه صورت گرفته است. در این مقاله به دو مجموعه یادشده با نشانه‌های BDI و BDII اشاره شده است.

ماضی ساخته می‌شود.

۲- ماده مضارع

ماده مضارع برگرفته از ماده مضارع ایرانی باستان است. بر مبنای این ماده افعالی به شرح زیر ساخته می‌شوند:

۲-۱- مضارع اخباری^۱

فعل مضارع اخباری از ماده مضارع و شناسه‌های خاص فعل مضارع اخباری ساخته می‌شود. این شناسه‌ها که مستقیماً به ماده می‌پیوندند عبارتند از:

- اول شخص مفرد: -εμο, -*εμο, -ειμο, -ιμο, -ηομ;

مانند αρμαυιμο از ماده مضارع -αρμαυ «آرام گرفتن» (BDI:181).

- دوم شخص مفرد: -ηι - (این نشانه تنها یکبار در T8 آمده), -ηιο;

مانند αρμαυηιο از ماده مضارع -αρμαυ «آرام گرفتن» (Ibid).

- سوم شخص مفرد: -δο (Class B), -ιδο (Class A);

مانند فعل مضارع منفی ναβαρτιδο «لازم نیست» (نک: X6).

- اول شخص جمع: -αμο;

مانند αρμαυαμο از ماده مضارع -αρμαυ «آرام گرفتن» (BDI:181).

- دوم شخص جمع: -ηδο (نشانه ηδδο - تنها یکبار در eel3 آمده).

مانند: κρηδο از ماده مضارع -κρη «انجام دادن، کردن» (BDII: 223).

- سوم شخص جمع: -ινδο;

مانند: ζανινδο از ماده مضارع -ζαν «دانستن» (نک: BDII: 211).

نکته ۱: در سوم شخص مفرد فعل مضارع اخباری معمولاً دو گروه افعال با عنوان گروه A و گروه B تشخیص داده می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شناسه فعل مضارع اخباری سوم شخص مفرد در گروه A به صورت -ιδο و در گروه B به شکل -δο آمده است.

1. present indicative

نکته ۲: شناسه‌های فعل مضارع اخباری «بودن» که گاه به صورت پیوسته و گاه به صورت گسسته به عنوان فعل معین برای ساخت افعال ماضی و ماضی نقلی به کار می‌رود چنین است:

- اول شخص مفرد: -ηομ, -ιμο (پیوسته)
- دوم شخص مفرد: -ηιο (پیوسته)
- سوم شخص مفرد: οτσα (گسسته)؛ οτσι (پیوسته)؛ οτσιν (منفی نیست).
- اول شخص جمع: -αμο (پیوسته)
- دوم شخص جمع: -ηδο (پیوسته است و تنها به عنوان فعل معین به کار می‌رود).
- سوم شخص جمع: δονιτας (گسسته)؛ -ινδο (پیوسته)؛ νινδο (منفی).

۲-۲- مضارع التزامی^۱

فعل مضارع التزامی از ماده مضارع و شناسه‌های خاص فعل مضارع التزامی ساخته می‌شود. این شناسه‌ها که مستقیماً به ماده می‌پیوندند عبارتند از:

- اول شخص مفرد: -ανο
- مانند αχασανο از ماده مضارع -αχασ «جنگیدن، نزاع کردن» (نک: BDII:199).
- سوم شخص مفرد: -αδο
- مانند αβζαοαδο از ماده مضارع -αβζαο «افزودن» (نک: BDI:173)؛ یا: فعل سوم شخص مفرد نهی التزامی μαγο βιναδο «مجبور نباشد» (نک: همان: ۱۷۵)؛ یا αχασαδο μαγο «نباید بستیزد» (نک: BDII:199؛ سند Y10).
- اول شخص جمع: -αμο
- مانند αζβαραμο از ماده مضارع -αζβαρ «پیش آوردن» (نک: BDI:178، سندهای V36 و W30)؛ یا: αχασαμο ναο "نستیزیم" (نک: BDII:199؛ سند O12).
- سوم شخص جمع: -ινδαδο, -ινδδο
- مانند βοοινδαδο از ماده مضارع -οβ «بودن» از ایرانی باستان -bawa* (نک: BDII:203).

1. present subjunctive

نکته: شناسه‌های فعل مضارع التزامی «بودن» که به عنوان فعل معین نیز به کار می‌رود چنین است:

- اوّل شخص مفرد: -ανο (پیوسته)
- سوم شخص مفرد: ασταδο (گسسته)؛ -δο, -αδο (پیوسته)؛ -ναδο (منفی)

۲-۳- مضارع دعایی^۱ (یا تمنّایی)

فعل مضارع دعایی از مادهٔ مضارع و شناسه‌های خاصّ فعل مضارع دعایی ساخته می‌شود؛ این شناسه‌ها که مستقیماً به ماده می‌پیوندند، عبارتند از:

- اوّل شخص مفرد: -ηιο
- مانند κρηιο از مادهٔ مضارع κρη- «انجام دادن، کردن» (همان: ۲۲۳).
- دوم شخص مفرد: -ηιο, -ηιο(?)
- مانند βοηιο به عنوان دوم شخص مفرد مضارع دعایی در سند bh9 از مادهٔ مضارع -οβ «بودن» از ایرانی باستان *bawa- (Ibid, p.203).
- سوم شخص مفرد: -ηιο, -ηιο, -δηιο, -δδηιο
- مانند αζηιο از مادهٔ مضارع -αζη «زادن» (نک: BDI:178؛ سند A26).
- اوّل شخص جمع: (تنها در سند A) -ηδηιο ؛ -αμηιο
- مانند αχασαμηιο از مادهٔ مضارع -αχασ «جنگیدن، نزاع کردن» (نک: BDII:199).
- دوم شخص جمع: -ηδο
- مانند αβιρηδο از مادهٔ مضارع -αβιρ «یافتن» (نک: BDI:175).
- سوم شخص جمع: -ηδηιο, -ηδηιο, -ηδηιο
- مانند μαβοοηδηιο به عنوان فعل مضارع نهی از مادهٔ مضارع -βοο «بودن» (نک: BDII:204).

نکته: شناسه‌های فعل مضارع دعایی «بودن» که به عنوان فعل معین نیز به صورت پیوسته یا گسسته به کار می‌رود، چنین است:

1 . Present optative.

- دوم شخص مفرد: -ηιο (پیوسته)
- سوم شخص مفرد: αστηιο (گسسته)؛ αστιιο: -ηιο, -αιο (پیوسته)
- سوم شخص جمع: -ινδηιο (پیوسته) (تنها در نقش فعل معین برای ماضی دعایی ظاهر می شود).

۲-۴- مضارع انشائی^۱

فعل مضارع انشائی باید از ماده مضارع و شناسه‌های خاص فعل مضارع انشائی ساخته شود. اما از آنجا که این شناسه‌ها در اثر تحولات، از میان رفته، این گونه افعال در متون موجود تنها به دو مصوت 0- و 1- پایان می یابد و با دوم شخص امر یکسان است، بنابراین:

- دوم شخص مفرد: 0-؛ مانند ανο از ماده مضارع -αν «دانستن» (نک: BDII: 210)؛ یا βο در سند ce7؛ از ماده مضارع -οβ «بودن» از ایرانی باستان -bawa* (نک: Ibid:203).
- سوم شخص مفرد: 0-, 1-؛ مانند βοο به عنوان دوم شخص یا سوم شخص مفرد مضارع انشائی از همان ریشه در سند xn12 (همانجا).

۲-۵- فعل امر^۲

فعل امر از ماده مضارع و شناسه‌های خاص فعل امر ساخته می شود. این شناسه‌ها که مستقیماً به ماده می پیوندند، عبارتند از:

- دوم شخص مفرد: 0- (این مصوت صرفاً در خط آمده و تلفظ نمی شود؛ نک: سیمز ویلیامز، ۱۹۸۵: ۱۱۱)؛

مانند αβαλο از ماده مضارع -αβαλ «ضمانت کردن» (BDII:200).

- دوم شخص جمع: -ηδο, -ηδδο, -ιδο

مانند βοοηδο از ماده مضارع -οβ «بودن» از ایرانی باستان -bawa* (نک: Ibid:203).

نکته: بسیاری از افعال امر که در متون موجود، به کار رفته، ممکن است به عنوان فعل مضارع انشائی نیز تلقی شود.

1 . present injunctive.

2 . imperative.

۶-۲- مصدر حال^۱

سیمز ویلیامز در BD1 واژه‌های $\lambda\alpha\eta\tau\omicron$ و $\iota\omicron\eta\nu\eta\chi\omicron$ را که با نشانه $-\eta\tau\omicron$ و تنها در C18 و aa30 به کار رفته و از لحاظ نقش، همانند مصدر عادی است که از مادهٔ ماضی ساخته می‌شود، به عنوان مصدر حال فرض کرده است (DBII:43). افزون بر این، نمونه‌هایی از مصدر گذشته^۲ نیز در متون بلخی مشاهده می‌شود؛ مانند $\alpha\zeta\gamma\alpha\delta\omicron$ «آوردن» (نک: DBI:178).

۷-۲- صفت فاعلی^۳

به شکل کهن و به عنوان اسم یا صفت، دیده‌شده؛ مانند $\zeta\omicron\omicron\iota\nu\delta\omicron\gamma\omicron$ «زنده»، و $\omicron\iota\sigma\eta\rho\iota\nu\delta\omicron$ «خواهان، مدعی».

۸-۲- صفت فاعلی آینده^۴

یک صفت فاعلی آینده مختوم به $[\text{-ag}]$ $-\alpha\gamma\iota$ تنها در سند XP مشاهده شده و نقش آن به گونه‌ای است که گویی فعل خودایستایی^۵ است که فاعل آن ممکن است به صورت هر شخص و یا هر شمار باشد؛ برای نمونه می‌توان به جمله‌های زیر اشاره کرد.

(XP11f):

$\alpha\zeta\omicron$ $\pi\iota\sigma\omicron$ $\omega\upsilon[\rho\omicron\mu\omicron]\zeta\delta\omicron$ $\beta\alpha\omicron\alpha\gamma\iota$ «من به حضور هر مزد خواهم شد»

(XP17f):

$\tau\omicron$ $\chi\omicron\eta\omicron$ $\varphi\alpha\rho\alpha\mu\alpha\gamma\omicron$ $\mu\iota\nu\gamma\alpha\rho\omicron$ $\nu\alpha\kappa\iota[\rho\alpha\gamma\iota]$

«خداوندگار تو مرا زیان‌رساننده نیست»

نکته: صفت فاعلی آینده فعل $\alpha\sigma\tau\alpha\gamma\iota$ «بودن» است؛ برای نمونه:

$[\tau\alpha\sigma]\iota\delta\alpha\nu\omicron$ $\sigma\alpha\chi\omicron\alpha\nu\omicron$ $\alpha\sigma\tau[\alpha]\gamma\iota$ «هرگونه سخنی است»

-
- 1 . present infinitive
 - 2 . past infinitive
 - 3 . present participle
 - 4 . future participle
 - 5 . finite verb

۳- ماده ماضی

ماده ماضی در زبان بلخی برگرفته از ماده ماضی ایرانی باستان است و غالباً به $\delta\omicron$ - یا $\tau\omicron$ - $\tau\iota$ ختم می‌شود. بیشتر افعال خودایستا برگرفته از ماده ماضی و شامل جزء پیوسته فعل کمکی «بودن» هستند که به δ - یا τ - پایانی ستاک فعل، متصل می‌شوند. در صورت‌های صرفی زیر برای سهولت بیشتر صرفاً صورت‌هایی ارائه شده که ماده ماضی آنها مختوم به δ - است و از درج صورتهایی که ماده ماضی آنها به τ - ختم می‌شود و غالباً در متون متاخر دیده می‌شوند، جز به ندرت، خودداری شده است.

۳-۱- فعل ماضی اخباری^۱

فعل ماضی اخباری از ماده ماضی مختوم به δ - یا τ - و شناسه‌های مخصوص این فعل ساخته می‌شود. این شناسه‌ها که مستقیماً به ماده متصل می‌شوند، عبارتند از:

- اول شخص مفرد: $\delta\text{-}\eta\mu\omicron$, $\delta\text{-}\eta\mu\omicron$ ؛

مانند $\kappa\iota\rho\delta\delta\iota\mu\omicron$ از ماده ماضی $\kappa\iota\rho\delta$ «کردن» (نک: BDII:204).

- دوم شخص مفرد: $\delta\text{-}\eta\iota\omicron$ ، منفی: $\delta\text{-}\eta\iota\omicron$ + $\nu\alpha$ ؛

مانند $\alpha\beta\zeta\alpha\delta\eta\iota\omicron$ از ماده ماضی: $\alpha\beta\zeta\alpha\delta\omicron$ ؛ ماده مضارع: $\alpha\beta\zeta\iota$ «ادامه دادن»، (نک: Ibid:182).

- سوم شخص مفرد: $\delta\omicron$ ، منفی: $\delta\omicron$ + $\tau\omicron\sigma\nu\iota$ ؛

مانند $\alpha\beta\chi\alpha\lambda\alpha\delta\omicron$ از ماده مضارع $\alpha\beta\chi\alpha\lambda$ «ضمانت کردن» (Ibid:200).

- اول شخص جمع: $\delta\text{-}\alpha\mu\omicron$ ، منفی: $\delta\text{-}\alpha\mu\omicron$ + $\omicron\nu\alpha\mu$ ؛

مانند $\alpha\chi\alpha\sigma\alpha\delta\alpha\mu\omicron$ از ماده ماضی $\alpha\chi\alpha\sigma\delta\alpha$ «جنگیدن، نزاع کردن» (نک: Ibid:199).

- دوم شخص جمع: $\delta\text{-}\eta\delta\omicron$ ؛

- سوم شخص جمع: $\delta\text{-}\iota\nu\delta\omicron$ ، منفی: $\delta\text{-}\iota\nu\delta\omicron$ + $\nu\iota\nu\delta\omicron$ ؛

مانند $\alpha\gamma\gamma\iota\tau\iota\nu\delta\omicron$ از ماده ماضی $\alpha\gamma\gamma\iota\tau\iota$ «دریافت کردن» (Ibid:177).

نکته: هنگامی که فعل پیش از فاعل بیاید، جزء پیوسته $\delta\omicron$ - ممکن است به فعل

1. preterite [indicative]

ماضی سوم شخص مفرد مختوم به -δ- یا -τ- بیوندد که در این صورت صامت‌ها به شرح زیر در یکدیگر ادغام می‌شوند:

-δ- + -δo = -το / -τι (سپس) > -δδiδo

-τ- + -δo = -τιδo

مثال:

πiδoοoασατο «اظهار شده» (A), > πiδoοoασαδδiδo (Nn, R).

αγγιτιδo «دریافت شده» (A)

۲-۳- ماضی التزامی^۱

فعل ماضی التزامی از مادهٔ ماضی و شناسه‌های مخصوص این فعل ساخته می‌شود. این شناسه‌ها که مستقیماً به مادهٔ ماضی متصل می‌شوند، عبارتند از:

- سوم شخص مفرد: -δ-αδo, -δ-δo, منفی: δoνα + -δo

مانند δiδαδo از مادهٔ ماضی -δiδo «ستاندن، گرفتن» (BDII:212).

نکته: بنا بر مدارکی که تا کنون بررسی شده‌اند، تنها نمونه‌ای که در این اسناد به کار رفته، سوم شخص مفرد است (Ibid: 45).

۳-۳- ماضی دعایی^۲ (یا تمنایی)

فعل ماضی دعایی از مادهٔ ماضی و شناسه‌های مخصوص این فعل ساخته می‌شود. این شناسه‌ها که مستقیماً به مادهٔ ماضی متصل می‌شوند، عبارتند از:

- سوم شخص مفرد: -δ-ηiο, منفی: ηα + -δ-ηiο

مانند αβσιστηiο از مادهٔ ماضی -αβσιστ «فرجام رساندن» (نک: BDI:176).

- سوم شخص جمع: -δ-ινδηiο

مانند αγαδινδηiο از مادهٔ ماضی -αγαδo «آمدن، رسیدن» (BDII:214).

1. past subjunctive

2. past optative

۳-۴- ماضی نقلی^۱

فعل ماضی نقلی از صفت مفعولی مختوم به -γο- و شناسه مخصوص این فعل ساخته می‌شود. این شناسه عبارت است از سوم شخص جمع فعل مضارع اخباری «بودن» که به صورت پیوسته به کار می‌رود. تنها صیغه‌ای از این فعل که در متن‌های موجود، دیده شده، سوم شخص جمع است. شناسه این فعل در سوم شخص جمع، چنین است:

- سوم شخص جمع: -γ-ivδo ؛

مانند βoοαδoγivδo از ماده ماضی یا صفت مفعولی -βoοαδoγ- «رسیدن» (BDII, p.204).

۳-۵- ماضی بعید^۲

فعل ماضی بعید از صفت مفعولی مختوم به -γο- و شناسه مخصوص این فعل ساخته می‌شود. این شناسه، عبارت است از سوم شخص جمع فعل ماضی «بودن» که به صورت پیوسته به کار می‌رود. تنها صیغه‌ای از این فعل که در متن‌های موجود دیده شده در سند M4f به شرح زیر آمده است:

παρο κivδδivγo αcταδivδo

«به وام داده شده بود» (نک: BDII: 46).

مصدر:^۳

شکل ظاهری مصدر همانند ماده ماضی است. مصدر غالباً بوسیله حرف اضافه αβo همراهی می‌شود؛ مثال:

iθαcαγωνδo αcνωo ποivδo αβo λivγδo (A 14f.)

«چنانکه باید با او به عنوان عروس رفتار شود»

نکته: گاهی یک جزء پیوسته از فعل کمکی «بودن» نیز به مصدر اضافه می‌شود، مانند:

ναγavαno که شامل مصدر ναγavαt به اضافه فعل کمکی اول شخص مفرد التزامی -avο-

«بودن» است (نک: ec8).

1. perfect
2. pluperfect
3. infinitive

νιταδηιο که شامل مصدر νιταδ به اضافه فعل کمکی دوم شخص مفرد مضارع νιη-
«بودن» است (نک: xn8f).

مصدر ممکن است با قرار گرفتن جزء πορδο («خوب» است) پیش از آن، ترکیبی را
ایجاد کند چنانکه در واژه πορδ-αγγιτο «دریافتن خوب است» دیده می‌شود (BDII:45).

صفت مفعولی^۱:

صفت‌های مفعولی در زبان بلخی به دو شکل دیده می‌شوند:

۱. صفت مفعولی که همانند ماده ماضی است.
۲. گونه دیگر، از ماده ماضی و پسوند -γο ساخته می‌شود. اشکال دیگر این پسوند
به صورت -l, -ηο, -ογο, -ιγο, -αγο نیز ظاهر می‌شود. هر دو شکل صفات مفعولی
ممکن است به عنوان صفت یا اسم به کار روند. این صفات هنگامی که همراه با فعل
به کار می‌روند معنا و مفهوم لزوم و ضرورت انجام کاری را می‌رسانند (Ibid:46).

۴- نتیجه

پایان سخن اینکه:

الف) فعل در زبان بلخی همانند دیگر زبان‌های ایرانی میانه بر پایه دو ماده مضارع و
ماضی ساخته می‌شود.

ب) شناسه‌های پاره‌ای از افعال، متصل و برخی به صورت منفصل به کار رفته است.
ج) در افعال مضارع سوم شخص مفرد، دو نوع شناسه مشاهده شده که از آنها با
عنوان Class A و Class B یاد می‌شود.

د) انواع افعالی که در دیگر زبانهای ایرانی میانه به کار رفته در زبان بلخی نیز مشاهده
می‌شود. بدین ترتیب، بنابر ساختار فعل در زبان بلخی تعلق آن به گروه زبانهای ایرانی
میانه شرقی، قطعی به نظر می‌رسد.

1 . past participle

منابع:

- بیوار، ا. د. ه. (۱۳۷۳) «تاریخ مشرق ایران»؛ در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، جلد سوم، قسمت اول، پژوهش دانشگاه کمبریج؛ گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۸۶) «نگاهی تازه به کتیبه سرخ کتل (نگارش M)»، *نامه فرهنگستان*، دوره نهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۳۴، صص ۱۲۶-۱۱۲.
- رضایی باغ بیدی، حسن (۱۳۸۵) *دستور زبان پارسی، ققنوس*.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۰) *جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی*، به کوشش ویدا نداف، انتشارات فروهر، تهران.
- سیمزویلیامز، نیکلاس (۱۳۷۹) «رمززدایی از زبان بلخی؛ پرتوی تازه بر افغانستان باستان»، ترجمه محمود جعفری دهقی، *مجله زبان‌شناسی*، سال پانزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۸۳-۱۰۷.
- _____ (۱۳۸۲) «بلخی»، در: *راهنمای زبان‌های ایرانی* (جلد یک)، ویراسته رودیگر اشمیت، ترجمه زیر نظر حسن رضایی باغ بیدی، تهران.
- Sims-Williams, N., 1985. "A Note on Bactrian Phonology", BSOAS, pp. 111-116.
- Sims-Williams, 1989. "Bactrian Language", in: *Encyclopedia Iranica*, (ed.E.Yarshater).
- Sims-Williams., 2000: *Bactrian Documents From Northern Afghanistan, I. Legal and Economic Documents*, Oxford University Press = (BDI).
- Sims-Williams, 2007: *Bactrian Documents From Northern Afghanistan, II, Letters and Buddhist Texts*, Oxford University Press = (BDII).